

بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی چهل دختران اصفهان، تاریخانه دامغان و مسجد جامع ساوه

میترا آزاد*

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

مناره‌های سلجوقی ایران از عناصر مهم معماری اسلامی از نظر حکمی، فرم معماری، سازه و تزئینات هستند که در این چهار حوزه، به بررسی و تحقیق نیاز دارند. احداث مناره در ایران، به‌عنوان راهنما و هدایت معنوی و مادی، از دوره پیش از اسلام، آغاز و در عصر سلجوقی به اوج تکامل خود رسید. آن‌ها ابتدا به‌صورت منفرد در دشت‌ها، در کنار راه‌های مهم و مسیر کاروان‌ها و سپس در نزدیکی مساجد و مدارس، به‌عنوان یک عنصر مهم و نشانه قرار گرفتند. با توجه به اینکه طرح، ساخت و تزئینات مناره‌های سلجوقی از شاهکارهای معماری ایران بوده، این مقاله به بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی ایران، یعنی مناره تاریخانه دامغان، چهل دختران اصفهان و مسجد جامع ساوه و تحلیل مقایسه‌ای تزئینات آجری شامل نقوش هندسی و کتیبه‌های آن‌ها پرداخته است. روش تحقیق مقاله، به‌صورت روش تفسیری-تاریخی بوده و سپس با رویکرد تحلیلی به مقایسه تزئینات سه مناره از نظر کتیبه‌ها و نقوش و جایگاه آن‌ها پرداخته است. علاوه بر بررسی مقالات مربوط و کتب و اسناد با برداشت از بناهای یادشده، برای اولین بار نقشه و نمای تزئینی مناره‌های مذکور و سپس جدول مقایسه‌ای تزئینات آن‌ها ارائه می‌شود. در نهایت، علاوه بر دستیابی به اهداف برپایی و تغییرات شکلی مناره‌های اولیه تا دوره سلجوقی و مقایسه تزئینات آن‌ها، جایگاه هر یک در بخش‌های اصلی مناره مشخص و مدل تحلیلی جهت مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها

معماری اسلامی، مناره سلجوقی، تزئینات آجری، مناره تاریخانه دامغان، مناره چهل دختران اصفهان، مناره مسجد جامع ساوه.

پرسش‌های پژوهش

۱. اهداف برپایی و عملکرد مناره‌های ایرانی تا دوره سلجوقی چیست؟
۲. فرم معماری مناره‌های اولیه دوره اسلامی تا دوره سلجوقی چگونه بوده است؟
۳. سه مناره مهم دوره یادشده، چهل‌دختران اصفهان، تاریخانه دامغان و مسجد جامع ساوه، دارای چه کتیبه‌ها و تزئینات آجری هستند؟

مقدمه

همان‌طور که از نام مناره مشخص است، این بنا نام خود را از نار به معنی آتش گرفته و قدیمی‌ترین تعریف مربوط به مرحوم عباس زمانی است. مناره یعنی جای نار (آتش) و در واقع محل نور و روشنائی بوده که گاه کلمه مأذنه و میل راهنما نیز به آن اطلاق شده است (زمانی ۱۳۵۱، ۱۷۶). از نظر نقش حکمی، این بناها به عنوان نماد جایگاه نور و آتش بوده‌اند و رهروان راه را در زمین یا عالم ظلمانی، به مدد آتش و نور (که کنایه از انوار الهی و معرفت و دانش است) به منزل و مقصد و حقیقت هدایت می‌کردند. علت انتخاب این سه مناره، تأکید استاد پیرنیا است. از نظر ایشان، مناره‌های مسجد تاریخانه و جامع ساوه، دو مناره از شش مناره مهم ایران است که از آن‌ها به عنوان نشانه مسجد که در مسیر کاروان بوده‌اند، یاد کرده و مناره چهل‌دختران نیز دارای همان ویژگی‌هاست و از نظر زمانی، به مناره‌های یادشده نزدیک است (معماریان ۱۳۸۷، ۵۱۰ - ۵۱۱).

در این مقاله، برای بررسی و مقایسه نقوش آجری سه مناره شاخص دوره سلجوقی، ابتدا به سابقه تاریخی و روند تحول مناره‌های ایران، از دو جنبه عملکرد و فرم، از دوره پیش از اسلام تا دوره مورد مطالعه پرداخته و نظر به اینکه تزئینات و نقوش آجری، در مبحث کلی فرم و شکل‌شناسی قرار دارند، مصالح‌شناسی و کاربرد آجر در طراحی و ساخت و تزئینات مناره‌ها بررسی شدند؛ سپس جدول ترتیب زمانی مناره‌های دوره یادشده، ارائه گردیده تا علاوه بر معرفی، جایگاه سه مناره مورد بحث مشخص شوند. در ادامه، برای معرفی و مقایسه تزئینات سه مناره مورد بحث، به معرفی ویژگی‌های معماری و نقوش آجری آن‌ها پرداخته و در جدول مقایسه نقوش و تزئینات و کتیبه‌ها، انواع این نقوش در سه بخش مختلف تاج و میله و پایه مناره مشخص شده‌اند.

برای دستیابی به موضوع، به بررسی کتب و مقالاتی که درباره مناره‌های ایران و دنیای اسلام نوشته شده، پرداخته شده است. درخصوص مناره‌های ایران، دو مقاله از آقای محمود فاضل و دکتر عباس زمانی در مجله هنر و مردم سال‌های ۴۷، ۴۸ و ۵۱ به چاپ رسیده و در ارتباط با مناره‌های سلجوقی، کتاب معماری ایران در دوره سلجوقی، نوشته آقای دکتر حاتم و همچنین کتاب آثار ایران، نوشته آندره گدار و مقاله‌های مذکور، قابل بررسی و ارجاع است. در بخش نقش و عملکرد مناره‌ها و مرفولوژی (شکل‌شناسی) آن‌ها، از بخش مناره‌های کتاب معماری اسلامی، نوشته رابرت هیلن‌براند، استفاده شده است. در کتاب آثار ایران، به نقوش و کتیبه‌های برخی از مناره‌های سلجوقی، در منطقه اصفهان اشاره شده است.

در نتیجه‌گیری و مباحث مقاله با توجه به کمبود مطالعات تاریخ معماری موضوع مورد بحث، حوزه‌های مختلف مطالعاتی برای بررسی مناره‌های دوره‌های مختلف ایران پیشنهاد شده است.

۱. سابقه تاریخی، عملکرد و ریخت‌شناسی مناره‌ها تا دوره سلجوقی

۱ - ۱. سابقه تاریخی و عملکرد مناره‌ها

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، مناره یعنی جای نار (آتش) و منار را چراغ‌دان و جای بلند که بر آن چراغ یا آتش افروزند، نیز معنی کرده‌اند. مناره گاه با فانوس دریایی، برابر تصور می‌شد که در واقع، نظری مبنی بر علامت و راهنما بودن آن است (زمانی ۱۳۵۱، ۱۷۶). در تفسیر نمادین از مناره، به‌عنوان تجلی‌گاه نور الهی یا تصویر درخشش معنوی نیز استفاده شده است.

نخستین نشانه‌های دست‌ساز در راه‌های ایران، کپه‌ها یا صدفه‌های سنگی (صفه سنگی مادی بیستون)، ستون‌های سنگی (برد نشانه) یا تخته‌سنگ‌های بزرگ و بلند بودند (معماریان ۱۳۸۷، ۱۵۸ - ۱۵۹). با توجه به اینکه در ذات سنگ نیز آتش است، آتشدان‌های سنگی دوره هخامنشی و ساسانی، مانند آتشدان‌های پاسارگاد و نقش رستم نیز نوع تکامل یافته این نشانه‌ها هستند.

برخی از باستان‌شناسان از جمله گیرشمن، کعبه زرتشت را در نقش رستم، از زمره آتشفشان‌ها به‌شمار می‌آورند. برج نورآباد که به میل ازدها معروف است، به دوره اشکانی تعلق دارد و دارای پلکانی است که به آتشدانی سنگی که بر فرازش قرار دارد، منتهی می‌شود (نصیری انصاری ۱۳۵۰، ۱۱۸) (تصویر ۱ و ۲).

گروهی از این بناها نقش نگه‌دارنده آتش مقدس را به‌عهده داشتند. چهارتاقی‌های ساسانی نیز محل نگهداری آتش مقدس، نماد دین زرتشت (یا خرد مقدس) بودند. تعدادی دیگر نیز که بر بالای بلندی و بر سر راه کاروان‌ها ساخته می‌شدند، علاوه بر نقش قبلی، کاربرد علامت و راهنما را نیز عهده‌دار بودند. از معروف‌ترین برج‌های آتش این دوره، برج آتش فیروزآباد است که بنایی با ارتفاع حدود ۲۶ متر بوده و فرم کلی آن، در برخی از مناره‌های بعد از اسلام دیده می‌شود (تصویر ۳).

در فلسفه و دین زرتشت آمده است: هنگامی که آتش یا اردیبهشت از جهان روحانی به جهان مادی منتقل شده، آن صورت نوعیه غیرمادی در جهان مینوی باقی ماند و امشاسپند یا ایزد آتش نامیده شد. سهروردی می‌گوید: آتش دارای ذاتی نورانی و شریف است که فارسیان (ایرانیان) درباره این نور اتفاق نظر دارند که آتش، رمز وجودی اردیبهشت است. آتش نشانه و رمز وجودی خداوند (اهورامزدا) و راه رسیدن به ذات حق باری‌تعالی است. احترام به آتش با همه ارج و بزرگی در فرهنگ اعتقادی ایرانیان حفظ شده است. پس این عنصر شریف به‌عنوان نماد و نشان‌واره ایزد، افروخته می‌شد و هنگام افروختن و رؤیت به‌عنوان تعظیم و تکریم ذات خداوندی ادعیه‌ای تلاوت می‌شد و احترام آن واجب بود (رضی ۱۳۷۰، شماره ۷۹). پس در دوره پیش از اسلام، دو عملکرد عمده برای برج‌های آتش (مناره‌ها) بوده است: یکی راهنمای مسافران در مسیرهای حرکتی کاروان‌ها و دوم برای انجام مراسم مذهبی و تعظیم و تکریم خداوند یکتا (اهورامزدا). و گاه هر دو عملکرد با کارکرد دیگری ادغام می‌شده؛ مانند طاق گرا که در مسیر کاروان بوده و مراسم مذهبی هم در کنار آن برگزار می‌شده و از نظر برخی محققان نیز برای یادمان پیروزی احداث شده بود.

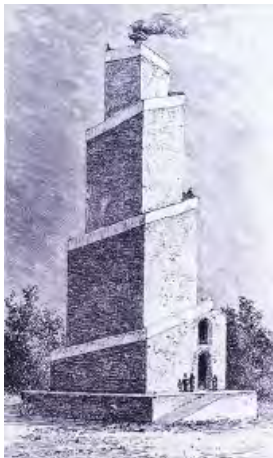
از نظر برخی از محققان، احداث مناره‌های منفرد ایران، با عملکرد میل راهنما در قرون اول اسلامی به‌نوعی تداوم معماری برج‌های آتش قبل از اسلام ایران بوده است (فاضل ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸، ۵۳).

در این دوره نیز دو نظریه اصلی برای نقش مناره‌ها وجود دارد: نظریه اول، مبتنی بر حضور نور و روشنایی و تجلی‌گاه نور الهی و هدایت معنوی است. نظریه دوم براساس نقش علامت و راهنما بودن و هدایت مادی آن‌ها استوار است؛ برای مثال، به‌نظر پوپ، برخی از مناره‌ها که در مسیر جاده‌های اصلی حواشی کویر واقع هستند، مانند میل خسروگرد واقع در سبزواری، میل زیار واقع در اصفهان و میل نادری واقع در نرماشیر بم، این نظر را تقویت می‌کنند که یکی از عملکردهای مناره‌ها، نقش علامت و راهنما بوده است (پوپ ۱۳۷۳، ۱۷۱) (تصویر ۷). یا اینکه از نظر هیلن‌براند، آمادگی مسلمانان اولیه برای از آن خود کردن فرم‌های تندیس دیگر مذاهب متقدم برای مقاصد مذهبی اسلامی، باعث می‌شود بپذیریم عملکرد برج و ارتباط آن با آتش موجب شد اولاً نام خود را از نور و آتش بگیرد، ثانياً مناره به‌شکل مناسب خود دست یابد (هیلن‌براند ۱۳۷۷، ۱۷۹).

در دوره اسلامی، عملکرد مناره گسترده‌تر می‌شود. مناره‌ها نقش راهنمایی مسافران را بر عهده داشته‌اند؛ اما ستایش خدای یکتا در کنار آتش به مکان‌های مقدسی مانند مسجد و مدرسه تغییر مکان داده و این بناها بدین وسیله، نقش مذهبی خود را در کنار مسجد و مدرسه ادامه داده‌اند. گاه در مسیر کاروان‌های زیارتی، خیرین دارالضیافه‌هایی برای اطعام زائران احداث می‌کردند و مناره‌ها نشان محل اطعام و اطراق مسافران می‌شدند.

در تفسیر نمادین از مناره، به‌عنوان تجلی‌گاه نور الهی یا تصویر درخشش معنوی نیز استفاده شده است. دربارهٔ مأذنه که محل اذان‌گفتن است، بعضی از پژوهشگران مانند هیلن براند معتقدند که در دوره اسلامی نیز ابتدا ارتباطی بین مناره و عملکرد آن برای گفتن اذان وجود نداشته است (همان، ۱۸۶)؛ به‌ویژه در خصوص مناره‌هایی که بلندتر از ۱۵ متر هستند.

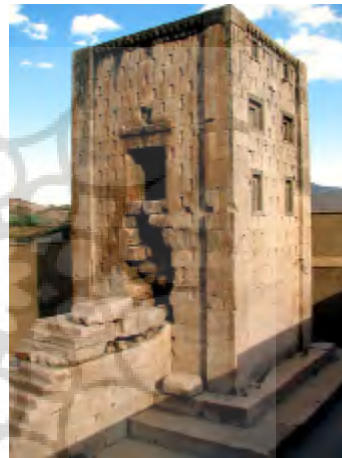
با وجود تردیدی که در این کارکرد مناره برای پیدایش آن وجود دارد، به‌تدریج در گلدسته مناره‌های مساجد، امکان اذان‌گفتن به‌وجود آمد و گلدسته‌ها بعضاً به مأذنه تبدیل شدند (عمرانی پور ۱۳۸۴).



تصویر ۳: برج آتش فیروزآباد مربوط به دوره ساسانی که نمونه روشنی برای مسجد سامرا بوده است (فاضل ۱۳۴۷-۱۳۴۸، ۵۳).



تصویر ۲: میلک اژدها، نورآباد فارس



تصویر ۱: کعبه زرتشت در نقش رستم فارس، مربوط به دوره هخامنشی که گیرشمن آن را در زمرة بناهای دینی به‌شمار آورده است.

دربارهٔ گسترش کارکرد و مفاهیم مناره‌ها در دوره اسلامی نیز هیلن براند معتقد است: «عملکردها و مفاهیم بسیاری از جمله مذهبی، نمادین، سیاسی، یادمانی، نظامی در برج‌های پیش از اسلام، حضور دین را در خود نگاه داشته و در زمان مناسب، در مناره‌های ایران دوره اسلامی نفوذ کردند» (۱۳۷۷، ۱۸۸). استاد ابوالقاسمی نیز این نظر را تأیید کرده است: «به این ترتیب، عرفان ایرانی که همواره الهام‌بخش هنرمندان این سرزمین بوده، در این فلسفه اخلاقی که اساسش وحدت و طریقتش، عشق و اوجش، وصل و هدفش لایتناهی است، از جنبه‌های معنوی، معماری ما را سیراب نموده و در بنای مناره‌ها که محل و مکان نور (نشانهٔ اهورامزدا) که از دو جنبهٔ مادی و معنوی، وظیفهٔ راهنمایی را به‌عهده داشتند، به‌نحو شایسته‌ای متجلی شده است» (عمرانی پور ۱۳۸۴، ۲۲ - ۲۳).

۱- ۲. شکل‌شناسی و فرم مناره‌های ایران تا دوره سلجوقی

طبق بررسی روند تاریخی برج‌های آتش (مناره) در ایران، تمام آتشدان‌های کشف‌شده مربوط به دوره پیش از اسلام و متقدم آن‌ها در دوره هخامنشی، با مقطع مربع یا چلیپا بوده‌اند که دو نمونه مهم در پاسارگاد و نقش رستم است. برج‌های آتش دوره هخامنشی و پارتی نیز - که در مورد کاربری دو برج پاسارگاد و نقش رستم، نظریات مختلفی ابراز شده است؛ ولی گیرشمن آن‌ها را ادامهٔ برج‌های آتش اورارتویی می‌داند و برج آتش نورآباد را در تداوم آن‌ها ذکر می‌کند - دارای نقشهٔ چلیپایی مربع هستند.

برج‌های آتش دوره ساسانی از جمله برج فیروزآباد که بلندترین برج آتش دوره خود است و بقیه آتشگاه‌ها و چهارطاقی‌ها و آتشکده‌ها با نقشه مربع چلیپا بوده، به‌طور استثنا یک برج آتش به نام چاهک قم که توسط نگارنده و گروه تحقیق بررسی شده، دارای مقطع دایره و استوانه‌ای شکل است و احتمال ارتباط آن با دوره اسلامی، بسیار زیادتر از دوره ساسانی است.

در دوره اسلامی از برج‌های بلند یادمانی، می‌توان به میل گنبد قابوس با نقشه شمسه‌ای ده‌وجهی و به شکل سروته باریک اشاره کرد. بدین ترتیب در این دوره، حرکت از مربع به طرف چندضلعی و در نهایت، به دایره ختم می‌شود. در این مقاله، به مضمون عرفانی مربع، چندضلعی‌ها و دایره پرداخته نمی‌شود. درباره مناره‌های استوانه‌ای دوره اسلامی ایران، هیلن براند به نظریات مختلف اشاره کرده است؛ از جمله در دنیای شرق اسلام، ایران کانون توجه به‌شمار می‌آمده است. در این کشور، فرم کاملاً متفاوتی از مناره در گونه‌های رفیع، باریک و استوانه‌ای ایجاد شد (هیلن براند ۱۳۷۷، ۱۸۷). با وجود این تحلیل، همان‌طور که در ابتدای این مبحث گفته شد، از دوران هخامنشی تا ساسانی، نقشه چلیپای مربع بر مناره‌های ایران حاکم است و پایه چهارگوشه یا چندضلعی در اولین مناره‌های دوره اسلامی حضور دارند.

از نظر هیلن براند، برج‌ها و معابد استوانه‌ای، درخت اولیه دین را جاودانه ساخته و نماد فلسفی‌ای را که با آیین مذهبی سروکار می‌یابد، قوت بخشیده و قصد نشان دادن محور دنیا در کار بوده است. از مناره‌های اولیه که باقی مانده‌اند، می‌توان حدس زد که آن‌ها از برج‌هایی با قالب‌بندی چهارگوش پیروی کرده‌اند؛ مانند مناره‌های دامغان و سیراف؛ البته زمان زیادی طول نکشید تا این شکل دستخوش تغییرات اساسی قرار گرفت (همان، ۱۸۷) (تصویر ۴ و ۵). در وضعیت موجود، مناره تاریخانه از روی زمین، به‌صورت استوانه‌ای بالا رفته و پایه مربع شکل مربوط به مناره اولیه و قدیمی آن است. در مناره مسجد جامع نایین، قالب‌بندی سنتی چهارگوش حفظ شده؛ اما چشم‌پوشیدن از آن در نما، باعث شده که محوری هشت‌وجهی بر پایه‌های چهارگوش قرار گیرد، دو سوم نما با همین محور ادامه یافته و سپس به شکل استوانه مخروطی درمی‌آید. این تبدیل هشت‌وجهی به مدور، چنان آرام و ملایم صورت می‌گیرد که چندان توجهی را برنمی‌انگیزد. مناره چهل‌دختران اصفهان دارای یک ته‌ستون ساده چهاروجهی است که میله مدوری در وسط آن قرار گرفته است (تصویر ۶).

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۵ - بهار و تابستان ۹۳

۴۳



تصویر ۶: منار چهل‌دختران اصفهان ابتدای سده ششم هجری.



تصویر ۵: منار باقوشخانه در اصفهان، سده پانزدهم م (گذار ۱۳۷۸، ۱۷۳).



تصویر ۴: منار سلجوقی دامغان، سده پنجم هجری.

استفاده از برج‌های آتش نه‌تنها در داخل مرزهای ایران، بلکه در برخی از سرزمین‌های جهان اسلام نیز استفاده شده است؛ به‌طوری‌که عدم گرایش عباسیان در تقلید از فرم‌های معماری اموی سوریه، آن‌ها را برای پذیرش فرم‌های ایرانی برانگیخت. در فیروزآباد که نخستین پایتخت ساسانیان بود، برج چهارگوش با رامپ بیرونی باقی مانده که این رامپ به دور آن پیچیده است. این بنا برای اعراب اولیه، با اصطلاح ابهام‌انگیز طربال شناخته شده است که به‌عنوان میل راهنما و یادمان مذهبی زردشت که آتشی هم بر آن روشن می‌شده، تعبیر می‌شده است (هیلن‌براند ۱۳۷۷، ۱۷۹).

۲. کاربرد آجر در طراحی و ساخت و تزئینات مناره‌های دوره سلجوقی

استفاده از آجر به‌عنوان یکی از مصالح رایج در ساخت‌وساز بناهای ایرانی از دوره پیش از اسلام، اهمیت بسیاری داشته است. این ماده به‌عنوان عنصری متناسب با اوضاع اقلیمی و مقاوم در برابر تغییرات جوی و در دسترس بودن در هر منطقه، از جایگاه خاصی در معماری و سازه و تزئینات بناها برخوردار بوده است. با توجه به اظهار نظر محققان، از ویژگی‌های عمده معماری دوره سلجوقی، اوج تکامل کاربرد آجر در بناها است؛ به‌طوری‌که سر ادوارد لوتین، درباره تزئینات آجری ایران می‌گوید: «از آجرکاری ایرانی سخن مگوئید، بلکه از جادوی آجری ایران صحبت کنید» (پوپ ۱۳۷۳، ۱۴۵). این عنصر با وجود اینکه خردترین جزء یک بنای عظیم و مرتفع بود، نقش اساسی در طراحی، شکل و فرم، سازه و تزئینات داشت.

در همه مراحل مربوط به تکوین یک اثر معماری، رابطه و همبازی تنگاتنگ نیارش، هندسه، پیمون با تزئینات نقش اساسی دارد. نیارش با استفاده از پیمون و با توجه به نیاز بنا، عامل تعیین‌کننده و کنترل ابعاد و اندازه‌های بنا و راهنمای دستیابی به تناسب و تزئینات مطلوب است (عمرانی‌پور ۱۳۸۴، ۲۳). به این ترتیب، آجر در اندازه‌ها و شکل‌های متفاوت، عنصر اصلی ساخت بناهای مختلف، از جمله برج‌ها و مناره‌ها شد.

آجر کامل را قد و آجر نصفه‌نیمه نامیده می‌شود. آجر سه قد و چارک، کلوک (شستی)، قلمدانی، کلاغ‌پر، کله‌گوش، نیم‌لایی و... از انواع فرم‌های آجرهایی است که در نقوش آجری استفاده می‌شوند. برای ساخت برج‌ها معمولاً از آجر واکوب استفاده می‌شده است. (به این ترتیب که خشت را قبل از رفتن به کوره با کمک دو تخته و کمی آب صاف و مرتب می‌کردند. پس از آن دوغاب شل از گل رس به اطرافش می‌کشیدند، بعد آن را به کوره می‌بردند. این آجر نسبت به آجرهای معمولی، بسیار صاف و مرتب و مقاومت آن هم بالاتر بود.) اندازه آجرهای دوره سلجوقی (قرن پنجم و ششم هجری) چهار گره معادل $26/6$ سانتی‌متر و آجر دوره‌های بعد $3/5$ و 3 گره معادل $23/3$ و 20 سانتی‌متر بودند (عمرانی‌پور ۱۳۸۴، ۲۶). ابعاد دیوارهای مناره و ارتفاع آن نیز تابع و متکی به پیمون بوده است. با توجه به تحقیقات میدانی، ابعاد آجرهای مناره مسجد جامع ساوه $21 \times 4/5$ سانتی‌متر و بقیه آجرهای تزئینی عبارت از $4/5 \times 4/5$ ، $7/4 \times 5/5$ ، $11/4 \times 5/5$ ، $13 \times 4/5$ سانتی‌متر و دیگر ابعاد مورد نیاز نقوش بوده‌اند. درخصوص مناره چهل‌دختران نیز بیشترین ابعاد آجر $22 \times 4/5$ سانتی‌متر و ابعاد ریزتر مشتق از آن است.

از بناهای ویژه دوره سلجوقی، سازه‌های برج‌ها و مقابر و بناهای چهار ایوانی است و تزئینات به‌کاررفته در بناها شامل کاربرد آجر، کاشی‌کاری، گچ‌بری و مقرنس است (پوپ ۱۳۷۳، ۱۰۶ - ۱۰۷). علاوه بر نمادهای سنتی بصری، کتیبه‌ها نقش آرایشی مهمی را ایفا می‌کنند. طراحان ایرانی به مخاطبان خود، اسلام را با کلام واقعی قرآن عرضه کرده‌اند. آن‌ها مکاشفات خود را با اصول والای زیباشناسی آمیخته‌اند و توانسته‌اند به قلمرو روح پاک راه یابند. کار با آجر در زمان سلجوقی، از هر دو جهت زیبایی و ساختاری به حد کمال رسید. طرح‌های ساده هندسی گذشته به حروف عظیم کوفی تبدیل شد و آجرچینی‌ها، دیوار را کاملاً زنده کرد و در واقع، تنوع نقش‌های آجری بر روی بدنه‌ها، به‌ویژه در مناره‌های سلجوقی، یک معرق‌کاری عالی با آجر را به نمایش گذاشت (همان، ۱۳۹).



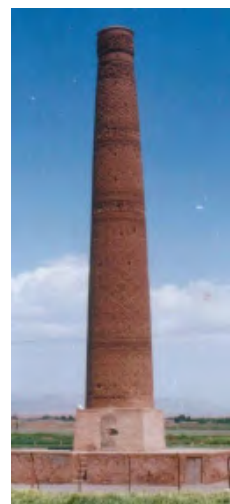
تصویر ۱۰: منار مسجد جامع ساوه، قرن پنجم هجری (تصویر از سحر فریدونی)



تصویر ۹: مناره مسجد جامع دامغان (قرن پنجم هجری)



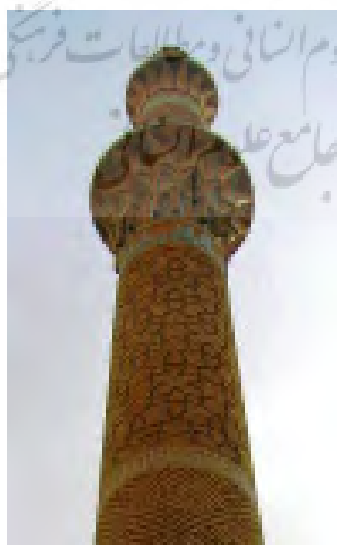
تصویر ۸: مناره تاریخانه دامغان، (قرن پنجم هجری)



تصویر ۷: منار خسروگرد، قرن ۵۰۵ هجری، سبزوار

در عهد سلجوقی، تکامل تزئینات آجری در نمای بناها، دیوارها، پوشش‌ها، سقف‌ها، مناره‌ها و کف‌سازی به چشم می‌خورد. معماران این دوره در طریقه چیدن آجرها و ایجاد قرنیزهای آجری و کتیبه‌های زیبا مهارت داشتند. ویژگی‌های تزئینی در آجرکاری سلجوقیان عبارت بود از: بافت آجرکاری، گره‌سازی، مفصل، ردیف‌ها، پستی بلندی آجرها، حالت و رنگ سطوح آجری. شکل‌های مورد استفاده آجر در تزئین بناها شامل مربع، مثلث، دایره، حصیری، شکسته، طرح‌های لوز، خفته و راسته، زیگزاگ و انواع بافت مشبک (تصویر ۸ و ۹).

در این دوره، استفاده از خط‌های کوفی تزئینی آجری و گره‌های ساده اولیه در پیوند با اسکلت و استخوان‌بندی بنا معمول شد. در این‌گونه آثار، اجزای زمینه‌های گره با تراش آجر و هم‌زمان با ساختن بنا با دیوارها و ساقه گنبدها رج‌چینی شده است. در این شیوه، به‌علت اتصال عمیق زمینه‌های گره با بنای اصلی، استحکام کار، نسبت به گره‌سازی تخمیری بیشتر است (ماهرالنقش ۱۳۷۳).



تصویر ۱۲: مناره ساربان، اصفهان، سلجوقی



تصویر ۱۱: مناره مسجد علی، اصفهان، سلجوقی

۳. مناره‌های ایران در دوره سلجوقی

نوآوری معماری بناهای سلجوقی، از جمله مناره‌ها نشان‌دهنده تحول عظیم معماری، سازه و تزئینات این دوره از تاریخ هنر و معماری این سرزمین است. آنچه همه محققان بر آن توافق دارند، این است که مناره‌های سلجوقی بزرگ‌ترین شاهکار این سنت هستند.

با استفاده از کتب و منابع مربوط به مناره‌های شناخته شده دوره سلجوقی، با توجه به دوره ساخت در جدول ۱ تنظیم شده‌اند.

جدول ۱: مناره‌های سلجوقی ایران براساس توالی زمانی

| ردیف | نام مناره | تاریخ/ دوره | توضیحات |
|------|---------------------------------------|---------------------------|---|
| ۱ | مناره مسجد میدان ساوه | ۴۵۳ هـ ق | اولین مناره تاریخ‌دار در ایران است (فاضل ۱۳۴۷-۱۳۴۸، ۵۴) |
| ۲ | مناره مسجد پامنار زواره | ۴۶۱ هـ ق | |
| ۳ | مناره مسجد جمعه کاشان | ۴۶۶ هـ ق | |
| ۴ | مسجد تاریخخانه دامغان | ۴۱۷ - ۴۲۰ هـ ق | مبحث تاریخ‌گذاری این مناره، در صفحات بعد، پرداخته خواهد شد. |
| ۵ | مناره مسجد جامع سمنان | دوره سلجوقی | هم‌دوره با تاریخخانه |
| ۶ | مناره مسجد جامع دامغان | قرن ۵ هـ ق | ستون سمت راست، زیر تصویر |
| ۷ | مناره مسجد برسیان در اصفهان | ۴۹۱ هـ ق | |
| ۸ | مناره چهل دختران اصفهان | ۵۰۱ هـ ق | (حاتم ۱۳۷۹، ۶۰) همچنین در این کتاب، تاریخ بنا ۵۱۰ هـ ق ذکر شده است. |
| ۹ | مناره مجاور مسجد جامع ساوه | ۵۰۴ هـ ق | |
| ۱۰ | مناره خسروگرد در سبزوار | ۵۰۵ هـ ق | |
| ۱۱ | مناره گار در اصفهان | ۵۱۵ هـ ق | |
| ۱۲ | دو مناره بقعه مبارکه حضرت رضا در مشهد | ۴۷۹ تا ۵۵۱ هـ ق | |
| ۱۳ | مناره مسجد گز در اصفهان | ۵۰۰ تا ۵۲۵ هـ ق | |
| ۱۴ | مناره مسجد سین در اصفهان | ۵۲۶ هـ ق | |
| ۱۵ | مناره مسجد علی در اصفهان | اواخر قرن ۵ و اوایل قرن ۶ | |
| ۱۶ | مناره خرم‌آباد | احتمالاً ۵۰۰ هـ ق | |
| ۱۷ | مناره گلپایگان | ۶۰۰ هـ ق | |
| ۱۸ | مناره راهروان در اصفهان | ۵۲۵ تا ۶۸۸ هـ ق | |
| ۱۹ | مناره زیار در اصفهان | ۵۵۰ تا ۶۸۸ هـ ق | |
| ۲۰ | مناره ساریان در اصفهان | ۵۵۰ تا ۶۸۸ هـ ق | |
| ۲۱ | مناره مسجد اردستان | دوره سلجوقی | |
| ۲۲ | مناره مسجد امام حسن اردستان | دوره سلجوقی | |
| ۲۳ | مناره فیروزآباد در خراسان | دوره سلجوقی | |
| ۲۴ | مناره بسطام شاهرود | دوره سلجوقی | |
| ۲۵ | مناره مدرسه طیس | دوره سلجوقی | |
| ۲۶ | مناره‌های حضرت عبدالعظیم | دوره سلجوقی | |
| ۲۷ | مناره امامزاده پنجه شاه کاشان | دوره سلجوقی | |
| ۲۸ | مقبره و مناره در سنگ بست خراسان | دوره غزنوی | |

در میان مناره‌هایی که در جدول ذکر شدند، سه مناره که از نظر اهمیت طبق آنچه در ذیل ذکر می‌شود، عبارت‌اند از: منارهٔ چهل‌دختران شهر اصفهان، منارهٔ مسجد تاریخانهٔ دامغان و منارهٔ مسجد جامع ساوه که به‌ترتیب به ویژگی‌ها طرح و نوع تزئینات آن‌ها پرداخته می‌شود. در ادامه، علت انتخاب این سه مناره بیان می‌شود.

اول اینکه این سه مناره موجودند و تاریخ روشنی دارند و از لحاظ محدودهٔ زمانی، به قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری محدود می‌شوند و از معدود مناره‌های ایران هستند که کتیبهٔ تاریخ‌دار دارند و دو مناره از سه مناره، جزء اسامی آن‌هایی هستند که استاد پیرنیا به‌عنوان شش منارهٔ مهم ایران، که در مسیر کاروان‌های قرار داشتند، یاد کرده (مناره‌های مسجد میدان ساوه، جامع ساوه، جامع کاشان، جامع سمنان، تاریخانهٔ دامغان و منار مسجد جامع دامغان؛ شش منار مد نظر استاد پیرنیا هستند).

دوم اینکه از نظر عملکرد هم به‌عنوان میل راهنما بوده و هم نشان‌دهندهٔ مسجد و مدرسه دینی کنار آن بوده‌اند. قرارگیری سه منارهٔ نامبرده در مسیر کاروان‌های زیارتی به حرم رضوی و قرارداشتن در کنار مساجد (خانه‌های خدا) و مدارس مذهبی (که محل معرفت و حکمت است) به اهمیت بررسی آن‌ها می‌افزاید.

سوم اینکه از نظر تزئینات آجرکاری و تنوع نقوش از زیباترین انواع خود محسوب می‌شوند و از نظر شکلی نیز دارای وجه تشابهات زیادی هستند.

۳- ۱. منارهٔ چهل‌دختران اصفهان (۵۰۱ هـ.ق)

از لحاظ قدمت، اولین منارهٔ تاریخ‌دار که در شهر اصفهان شناخته شده، منارهٔ چهل‌دختران است. بانی این مناره ابی‌الفتح بن محمد بن عبدالواحد الهوجی بوده و در دورهٔ محمد بن ملک‌شاه سلجوقی ساخته شده است. از نظر هرتسفلد، این مناره در کنار یک مدرسه علوم دینی قرار داشته که اکنون کاملاً از بین رفته است. خاک‌برداری شمال مناره حدود سه مترونیم از پی منار را که از سنگ لاشه و ملات آهک و خاکستر (آهک سیاه) ساخته شده، نشان می‌دهد. زیربنای منارهٔ چهارگوش و فقط گوشهٔ جنوبی آن مدور شده است. روی پایهٔ آجری به ارتفاع ۵ متر ساخته شده که ورودی پلکان در آن قرار دارد. بخش مدور مناره، ۲۱ متر ارتفاع دارد که مجموعاً با بخش پایه به ۲۶ متر می‌رسد، حدود یک متر از ارتفاع مناره، از بالا تخریب شده است. قطر مناره در ابتدا ۲/۹ متر و ضخامت دیوار ۵۵ سانتی‌متر و قطر ستون هشت‌ضلعی مرکزی ۵۵ سانتی‌متر است. در بالا قطر میلهٔ مناره ۲/۳ متر و ضخامت دیوار ۵۵ سانتی‌متر و قطر ستون وسط مناره ۳۳ سانتی‌متر است.

مناره دارای کتیبه‌ای قدیمی به خط نسخ است (نک: تصویر ۱۸) و پنجره‌ای وسیع، در بخش دوم ثلث ارتفاع مناره قرار دارد. به‌نظر می‌رسد که یک متر از بالای منار از میان رفته است و آثاری از پیش‌آمدگی در بالای آن دیده نمی‌شود (گدار ۱۳۷۸، ۱۳۸ - ۱۴۱) (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳: دیدهای مختلف منارهٔ چهل‌دختران

۳-۱-۱. تزئینات منار چهل دختران

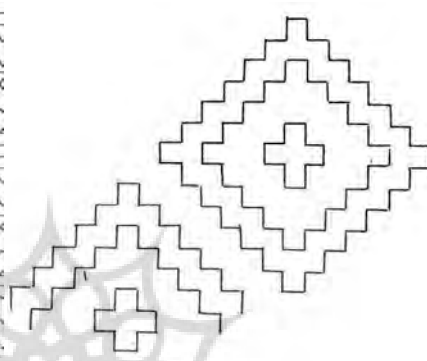
اضلاع جنوبی و جنوب غربی پایه منار، با کتیبه‌های از آجرکاری آذین شده‌اند. یک بخش با آجرچینی ساده و دو لوح دیگر به صورت برجسته هستند. چهارمین کتیبه که در بالای آن است، با آجرچینی معرق ساخته شده است. این کتیبه به خط کوفی و در شش خط است. تاریخ ۵۰۱ هجری در این قسمت درج شده است. میله مناره شامل هفت قسمت است. اولین و پایین‌ترین بخش حاشیه‌ای است مزین به نقش لوزی‌شکل که منار برسیان را تداعی می‌کند. قسمت دوم که با آجرچینی معرق تزئین شده؛ نقوشی به شکل مثلث‌های متساوی الاضلاع که به طور وارونه در کنار هم قرار گرفته‌اند. زمینه هریک از این مثلث‌ها نقشی سه‌ترکی است (تصویر ۱۴، ۱۵ و ۱۶).



تصویر ۱۶: نقوش قسمت پایین مناره چهل دختران



تصویر ۱۵: نقش چوب خطی چپ و راست، (زمرشیدی ۱۳۶۵، ۲۱۸)



تصویر ۱۴: نقش معقلی گلداز (خفته راسته زنجیره‌ای)

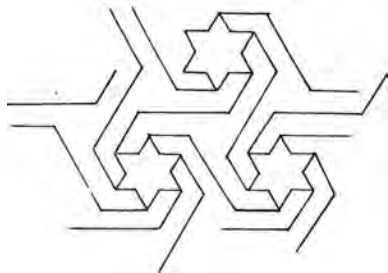
سومین قسمت در ضلع جنوب - جنوب شرقی، کتیبه‌ای به خط نسخ قرار دارد در ۵ سطر، که سطر چهارم از بین رفته است (تصویر ۱۷ و ۱۸). بقیه نقاط این بخش متشکل از شبکه‌هایی از اشکال هشت‌ضلعی و ستاره‌های شش‌پر است (تصویر ۱۹). قسمت چهارم که نوار کم‌عرضی است، شامل نقوش برجسته است. در بالای این قسمت، یعنی بخش پنجم، به جز کوربندهای پهنی که سایه‌روشن‌های عمودی ایجاد کرده، فاقد تزئینات است.



تصویر ۱۸: چهل دختران - کتیبه به خط نسخ (همان، ۱۴۲)



تصویر ۱۷: چهل دختران - کتیبه به خط کوفی در پایه منار (گلداز ۱۳۷۸، ۱۴۰)



تصویر ۲۰: نقش شش‌پیلی آجر



تصویر ۱۹: چهل دختران - کتیبه به خط کوفی گل و برگ بالای منار (همان، ۱۴۲)

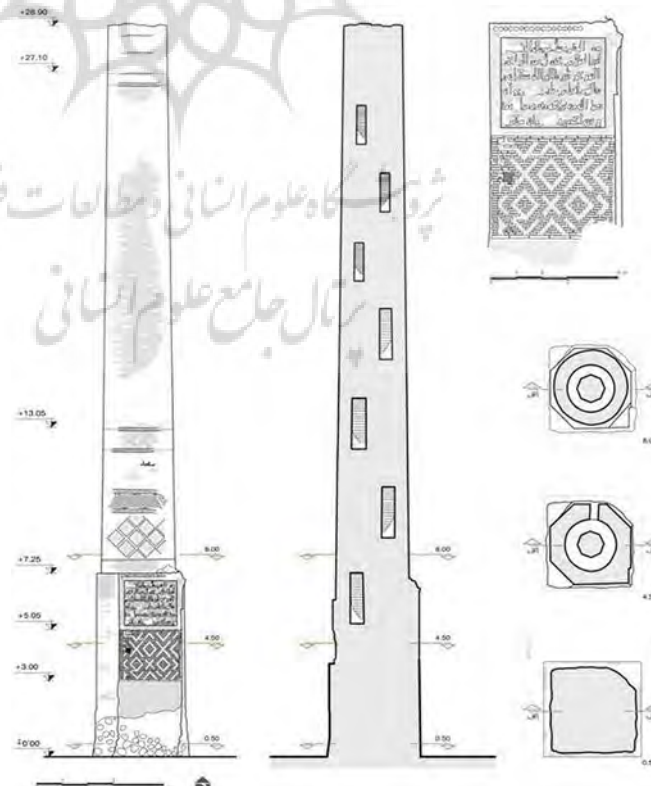
در این بخش، رو به سمت قبله پنجره‌ای قرار دارد که دهانه مستطیل آن با سرطاق چوبی و در دو طرف آن، ستون‌های کوچک مدور با سرستون‌های مسطح طاقچه‌ای کم‌عمق وجود دارند. این طاقچه از پهلو به شکل طاقی جناغی است که در چهارچوب مستطیل احاطه شده است (تصویر ۱۳). بخش ششم به شکل گردن‌بندی است متشکل از خطوط کوفی شبیه به گل و برگ، که چهارچوب نواری شکل آن را حاشیه‌ای با خطوط زیگزاگ احاطه کرده است. حاشیه پایینی مزین به ستاره‌هایی شش‌پر است (تصویر ۱۹).

هفتمین و بالاترین قسمت به شکل تاجی است با برآمدگی مختصر که تاج مستطیل شکل برجسته‌ای را به نمایش گذاشته است. هیچ‌گونه آثار کاشی‌کاری در ساختمان مناره دیده نمی‌شود (گذار ۱۳۷۸، ۱۴۱).

این مناره به سه کتیبه مزین است که دو تای آن‌ها به خط کوفی و یکی به خط نسخ است. اولین کتیبه که به خط کوفی است، در نوک مناره قرار گرفته و شامل آیه‌های ۳ و ۴ از سوره طه است (تصویر ۱۹).

کتیبه دوم به خط نسخ و شامل پنج سطر است که سطر چهارم و بخشی از سطر پنجم محو شده است (تصویر ۱۸). سطوری که تراشیده و محو شده، محل نام سه تن از خلفای راشدین است که خاطره آن‌ها برای ایرانیان شیعه ناخوشایند است؛ ولی نام علی که مورد احترام ایرانیان است، حفظ شده. متن کتیبه شامل عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله وحد لا شریک له، محمد رسول الله صلی الله علیه خیر الناس بعد رسول الله صل الله علیه... علی بن ابی طالب رضی الله عنهم اجمعین» (گذار ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۸۳) است.

متن کتیبه سوم شش سطر و به خط کوفی نوشته شده که عبارت است از «هذا المنارة بنت من ماله الاسفها لار ابی الفتح بن محمد بن عبدالواحد الهوجی تقریباً الی الله سبحانه و تعالی و ابتغاء موضاته و جزیل ثوابه تقبل الله منه برحمته و فرغ اتمامها فی سنة احدى و خمس مانه المجدویه (کذا)» (همان). شیوه نگارش آن کاملاً با کتیبه‌های کوچک‌ترین گنبد، از دو گنبد سلجوقی مسجد جمعه اصفهان مشابهت دارد. ارزش اصلی کتیبه‌های این مناره در این است که یکی از آن‌ها به خط نسخ نوشته شده و این کتیبه تا آنجا که محقق است، قدیمی‌ترین متن از این‌گونه (کتیبه نسخ) است که در ایران، بر یک بنای دارای تاریخ نقش شده است (همو ۱۳۷۸، ۱۳۸).



تصویر ۲۱: برش افقی، عمودی و نمای منار چهل دختران، از سه تراز مختلف (برداشت و ترسیم از میترا آزاد، محمد بلوری)



تصویر ۲۲: مناره تاریخانه دامغان از دیدهای مختلف (تصویر آخر از پوپ، همان، ۱۰۷)

۳- ۲ مناره مسجد تاریخانه دامغان

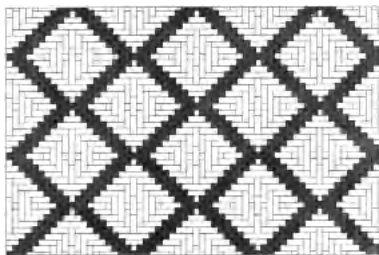
یکی از قدیمی‌ترین مناره‌های موجود در ایران که کتیبه‌ای به خط کوفی دارد، مناره مسجد تاریخانه دامغان است (تصویر ۲۲).

معماریان به نقل از استاد پیرنیا می‌گویند: «در معماری ما شش منار آجری دیده می‌شود، منار مسجد جامع و مسجد میدان ساوه، منار مسجد جامع کاشان و سه منار دیگر که در سرزمین کومش است؛ یعنی سمنان و دامغان. یکی در کنار مسجد جامع سمنان که در کتیبه آن، سازنده را اباحرب بختیار ممدوح منوچهری دامغانی می‌داند و دوم در کنار تاریخانه دامغان و سوم منار مسجد جامع دامغان. همه این مناره‌ها نشانه مسجد بوده‌اند و از دور دیده می‌شده‌اند. جالب است که درست کنار جاده‌ها هم ساخته شده‌اند» (معماریان ۱۳۸۷، ۵۱۰ - ۵۱۱).

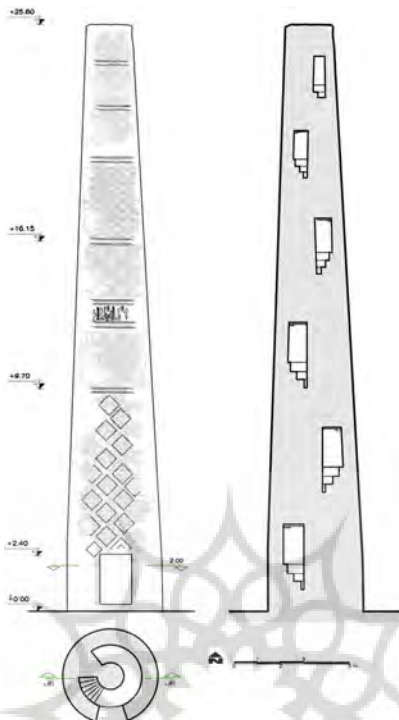
مناره تاریخانه را امیر اجل بختیار بن محمد معروف به ابوحرب حاکم مشهور قومنس، حدود ۴۱۷ بر پا ساخت (حاجی قاسمی ۱۳۸۳، ۷۶). به این قرار می‌توان بر صحت این نظریه تأکید داشت که تاریخانه در قرن پنجم هجری هم به‌عنوان جامع شهر دایر و همان مسجد توصیفی مقدسی است که در حدود جنوب شرقی شهر دامغان کنونی قرار داشت. هم‌زمان با تاریخانه، مناره مسجد جامع سمنان و برج مقبره پیر علمدار نیز به فرمان وی بنیاد نهاده شد و به‌طور قطع، می‌توان گفت که در دوره وی، دامغان به‌عنوان مرکز حکومتی، از توسعه و ترقی لازم برخوردار بوده و منوچهری دامغانی شاعر مشهور، او و اربابش فلک المعالی منوچهر بن قابوس (۴۰۵ تا ۴۲۴ هـ) را مدح گفته است (موسوی ۱۳۶۸، ۳۹). نیز در همین کتاب آمده است: «تاریخانه دامغان همچنان به‌عنوان جامع بزرگ شهر دایر بود و بر جای مناره ویران آن به سال ۴۱۷، در سمت شمال شرقی آن، مناره‌ای مرتفع با خشت خام برپا شد» (همان، ۴۳). پس طبق کتیبه کوفی مسجد، مناره به همت بختیار بن محمد که قرن پنجم هجری زندگی می‌کرده، احداث و به مجموعه زیبای تاریخانه اضافه شده است. این مناره آجری ۲۵/۳۰ متر ارتفاع که قطر آن در پایین حدود ۴/۵ متر و در بالا در حدود ۳ متر است؛ دارای ۸۶ پله در داخل و بدنه آن با آجرکاری زیبا تزئین شده است. بانی این مناره در دامغان، آرامگاهی نیز برای پدر خود محمد بن ابراهیم ملقب به پیر علمدار بنا کرده است.

در کتاب *دامغان شهر شش‌هزارساله* آمده است: «مناره در زمان طغرل به سال ۴۵۰ هجری (۱۰۵۸ میلادی) ساخته شده است» (طاهریا ۱۳۴۷، ۱۱۵). در کتاب پوپ تاریخ مناره سال (۱۰۲۹ تا ۱۰۲۶ میلادی) معادل (۴۲۰ تا ۴۱۷ هجری قمری) ذکر شده است (پوپ ۱۳۷۳، ۱۴۲ - ۱۴۳).

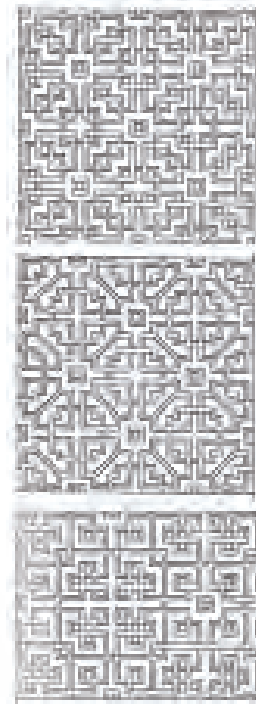
در مقاله «پیدایش مناره در اسلام» (فاضل ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸، ۵۴)، مناره تاریخانه دامغان به قرن ششم هجری نسبت داده شده است. عموماً مردم دامغان، معمار هر دو مناره مسجد جامع و مسجد تاریخانه را یک نفر می‌دانند و با توجه به اینکه سال ساخت روی کتیبه منار مشخص نیست و در ارتفاع ۱۰/۵ متری، کتیبه‌ای آجری به خط کوفی به عرض ۱/۳۰ متر فقط نام «الامیر السید الاجل» در آن خوانده می‌شود، زمان حکومت ابوحرب بختیار حدود ۴۲۲ تا ۴۱۸ هـ، دوره ساخت صحیح مناره است.



تصویر ۲۴: نقوش خفته راسته زنجیره‌ای در مناره تاریخانه دامغان (ماهرالنقش ۱۳۷۳، ۳۲)



تصویر ۲۵: برش افقی و عمودی و نمای مناره تاریخانه دامغان از سه تراز مختلف (برداشت و ترسیم محمد بلوری همان ۱۰۷)



تصویر ۲۳: نقوش مناره تاریخانه دامغان همان، ۱۰۷

در هر صورت، این مناره زیبا از پایین به بالا باریک شده است و یکی از مناره‌ها استوانه‌ای شکل است. محیط آن در پایین، حدود ۱۳ متر است و به نسبت از ارتفاع آن کاسته می‌شود؛ به طوری که محیط مناره در بالا ۶/۸ متر است. مناره سکو ندارد و از روی زمین مدور ساخته شده است.

نقوش اصلی مناره تاریخانه شامل نقش خفته راسته زنجیره‌ای است که در مرکز لوزها و محل اتصال آن‌ها با عقب‌نشینی فرورفته شده و سایه‌روشن زیبایی را در نقش ایجاد کرده است.

۳-۳. مناره مسجد جامع ساوه

در سده‌های نخستین اسلامی، بیشتر راه‌ها به ری پایان می‌یافته است و سپس از ری به شهرهای دیگر می‌رفتند. شهر ساوه یکی از سرخانه‌ها و منزلگاه‌های نامدار شاهراه خراسان، میان همدان و ری بوده و از دید راهداری، جایگاه ویژه‌ای داشته است. گویا این شهر باجگاه و گمرک‌خانه بوده و گفته شده که نام آن نیز از «ساو» به معنای باژ و باج گرفته شده است. تهرانگ مسجد بزرگ این شهر می‌تواند گواه آن شمرده شود (معماریان ۱۳۸۷، ۵۰۲).

بعد از اسلام برخی مناره‌ها کنار مسجد جای گرفته‌اند و نشانه آن شده‌اند؛ مانند مناره‌ای که کنار مسجد جامع ساوه است (معماریان ۱۳۸۷، ۵۱۰ - ۵۱۸). این مناره آجری که بر طبق کتیبه کوفی آن به سال ۵۰۴ هجری ساخته شده، دارای تزئینات زیبایی از دوره سلجوقیان است. جداره آجری این مناره به استثنای قسمت پایین آن که تعمیر شده است، از محاذات مدخل راه پله به بالا، آراسته به نقوش متنوع برجسته آجری و سه کتیبه به خط کوفی برجسته آجری به طور ساق بند و گلوبند است. دو کتیبه گلوبندی نیز به خط برجسته کوفی است؛ اما خط هر یک با دیگری تفاوت دارد. در این کتیبه‌ها، تاریخ اربع و خمس مائه خوانده می‌شود (تصویر ۲۶). قطر این مناره استوانه‌ای شکل ۵/۳ متر و ارتفاع آن پس از خرابی نیمی از قسمت بالای آن، حدود ۱۴ متر است. این منار از ارتفاع ۴ متری دارای راه پله داخلی مارپیچی است که با صعود از نردبان می‌توان به درگاه راه پله مزبور راه یافت (حاتم ۱۳۷۹، ۵۱).

تزئینات نقوش زیبایی آجری مناره مسجد جامع از سه نقش عمده تشکیل شده که با چند حلقه حاشیه‌های تزئینی زیبا محاط شده‌اند. پایه اصلی این سه نقش هشت‌ضلعی است که در طرح‌های متنوعی ارائه شده است. نقشه طرح پایینی که در تصویر ۲۳ نشان داده شده است، بر پایه نقش هشت‌ضلعی قرار دارد که درون آن‌ها بافته‌های حصیری مربع قرار دارد. در نقش میانی منار نیز هشت‌ضلعی که درون آن ستاره هشت‌پر و نقشه تزئینی نیز ستاره‌های هشت گوش با مربع‌هایی هستند با ستاره‌های چهارپر با نقش لوزی به یکدیگر متصل می‌شوند.



تصویر ۲۶: تصویر و نقوش مناره مسجد جامع ساوه - نقوش آجری (جواد شفایی)

با توجه به برداشت میدانی مشاور هفت خشت پارس و نگارنده از مناره و فرورفتگی در پلان و نبود تزئین در بخشی از مناره معلوم می‌شود که احتمالاً این مناره جزئی از مجموعه سردر قدیمی مسجد جامع ساوه بوده و احتمالاً قدیمی‌ترین جفت مناره شناخته‌شده در سردر مساجد هستند. تصاویر نیز گواه مطلب فوق است (تصویر ۲۷ - ۳۳).



تصویر ۲۸: تصویر مناره مسجد جامع ساوه: سفرنامه مادام دیولافوا



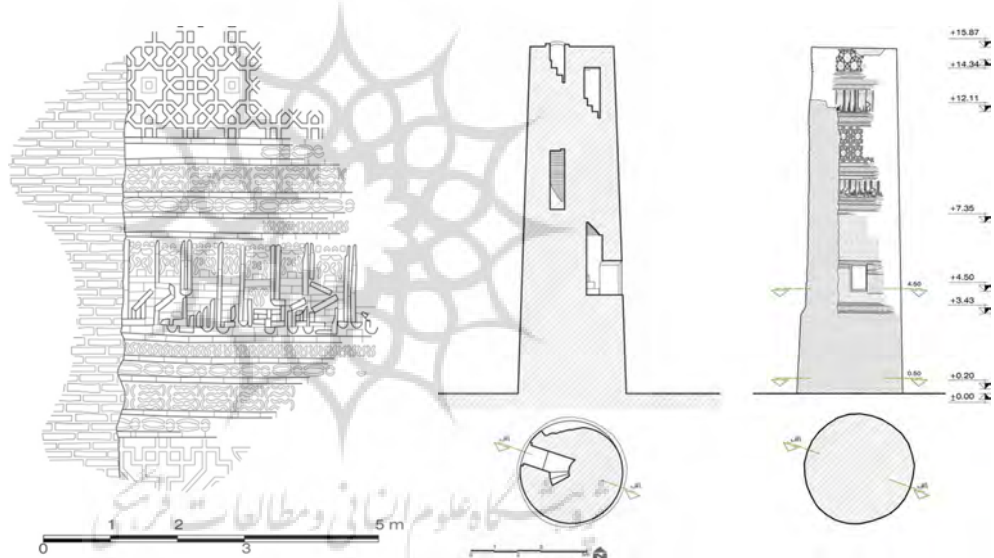
تصویر ۲۷: تصویر مناره مسجد جامع ساوه پس از تخریب جفت مناره، میراث فرهنگی ساوه



تصویر ۳۰: تصویر بخش فاقد تزئینات مناره مسجد جامع ساوه؛ مشاور هفت خشت پارس

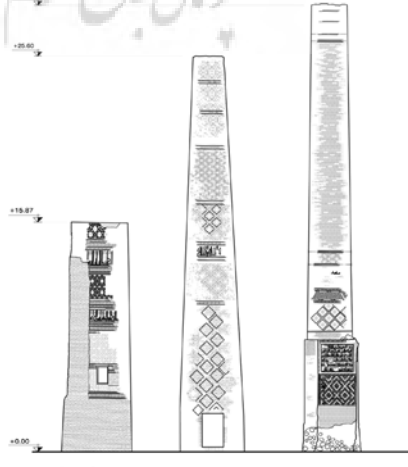


تصویر ۲۹: تصویر کتیبه کوفی مناره مسجد جامع ساوه؛ مشاور هفت خشت پارس



تصویر ۳۲: نقشه‌های منار مسجد جامع ساوه، گوشه‌ای از تزئینات؛ (میترا آزاد، محمد بلوری باز ترسیم از روی برداشت مهندسین مشاور هفت خشت پارس)

تصویر ۳۱: نقشه‌های منار مسجد جامع ساوه، گوشه‌ای از تزئینات، (منبع: هفت خشت پارس، ویرایش میترا آزاد، محمد بلوری)



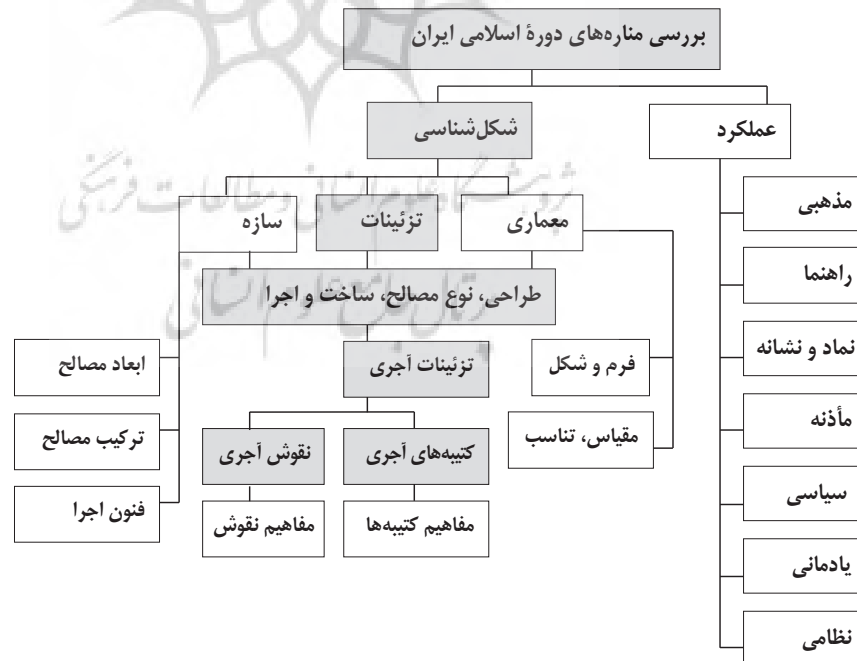
تصویر ۳۳: مقایسه نماهای سه منار در کنار یکدیگر از راست به چپ: منار چهل دختران اصفهان، منار تاریخخانه دامغان، منار مسجد جامع ساوه، (میترا آزاد، محمد بلوری)

جدول ۲: مقایسه تزئینات آجری سه مناره چهل دختران اصفهان، تاریخانه دامغان و مسجد جامع ساوه

| نام منار | | ۱. منار چهل دختران | | ۲. منار تاریخانه | | ۳. منار مسجد جامع ساوه | |
|-------------------|--|--------------------|---------------------------|------------------|---|------------------------|-------|
| نقوش | تزئینات | تصویر | تزئینات | تصویر | تزئینات | تصویر | تصویر |
| نقوش در پایه منار | آجرچینی ساده، برجسته و معرق | | آجرچینی خفته راسته و لوزی | | آجرچینی ساده (احتمالاً تزئینات جدا شده) | | |
| | کتیبه به خط کوفی | | فاقد کتیبه | | فاقد کتیبه | | |
| نقوش در میله منار | خفته راسته نقش لوز | | خفته راسته نقش لوز | | خفته راسته نقش لوز | | |
| | نقش سه ترکی و چوب خطی | | کتیبه به خط کوفی | | هشت ضلعی با تقسیمات چهار قسمتی | | |
| | کتیبه پنج خطی نسخ اشکال هشت ضلعی و ستاره ۶ پر | | نقش لوز | | کتیبه به خط کوفی | | |
| | نقوش برجسته | | نقش لوزی و چلیپا | | ۸ ضلعی با ستاره ۸ پر | | |
| | کوربندها که سایه روشن‌های عمودی ایجاد کرده، فاقد تزئینات | | خفته راسته چهار قسمتی | | کتیبه به خط کوفی | | |
| | گردنبندی متشکل از خطوط کوفی با حاشیه زیگزاگ و ستاره ۶ پر | | خفته راسته چهار قسمتی | | ستاره ۸ گوش با مربع | | |
| نقوش تاج مناره | کتیبه کوفی گل و برگ | | خفته راسته چهار قسمتی | | تاج مناره احتمالاً ریخته است. | | |

۴. نتیجه‌گیری و مباحث

از مبحث سابقه تاریخی و عملکرد مناره‌ها نتیجه می‌شود که با وجود اعتقاد اغلب محققان غربی تاریخ معماری ایران، مبنی بر اینکه ارتباط مناره‌ها با آتش و روشنایی در لغت بی‌معناست و این بناها تبلوری عینی در مراسم مذهبی نداشتند؛ ولی ارتباط برج‌های آتش با عرفان کهن ایران باستان بیانگر و نشانه‌ انوار تابنده و ذات ایزد یکتا به‌عنوان نشانه راه و هدایت مادی و معنوی است که از ابتدای دوره تاریخی ایران ساخته می‌شدند؛ چنان‌که از برج‌های آتش اشکانی و ساسانی برج‌های مانده معلوم می‌شود که طرح کلی جایگاه‌های آتش از مربع و چلیپا آغاز شده و سپس در روند تکاملی خود در ایران اسلامی، از مربع به چندوجهی و در نهایت، به‌صورت مناره‌های استوانه‌ای در کنار مساجد و مدارس و در مسیر کاروان‌ها (به‌خصوص مسیر زیارتی به طرف خراسان) قرار گرفتند. در نتیجه‌گیری از فرم‌شناسی مناره‌های ایران، می‌توان چنین بیان کرد که مربع در چرخش به هشت‌وجهی و دوازده‌وجهی، در نهایت به مدور تکامل می‌یابد. بیشترین تزئین مناره‌ها را کتیبه‌های قرآنی و نقوش زیبای آجری تشکیل می‌داده‌اند. از مقایسه تزئینات و طرح‌های آجری مورد استفاده در آن‌ها که شامل طرح‌های لوزی، مربع، مثلث، دایره و نقوش چندوجهی و ستاره‌ای، بافت‌های حصیری، خفته راسته و انواع مشبک‌ها بوده که بیشتر به‌صورت هفت‌قسمتی در میله مناره در ترکیب با کتیبه‌های قرآنی قرار داشتند. کتیبه‌های سیاسی که دارای قداست کمتری هستند، در پایه مناره قرار دارند. همان‌طور که ملاحظه شد، تأکید این مقاله بررسی شکلی و نقوش و کتیبه‌های آجری سه مناره دوره سلجوقی ایران بوده و مطالب بسیاری در حوزه ریخت‌شناسی، عملکرد و سازه قابل بررسی و تعمیق هستند؛ برای مثال، در مطالعات مربوط به تزئینات می‌تواند تا مفاهیم حکمی و عرفانی نقوش، نوع آیه‌های کتیبه‌های قرآنی، معانی و مفاهیم و دیدگاه‌های معماران در استفاده از آن‌ها بسط داده شود. دیاگرام زیر چهارچوب پیشنهادی نگارنده درباره مباحث مطالعاتی مختلف مربوط به مناره‌ها است که حوزه‌های مطرح‌شده را دربرمی‌گیرد. (بخش‌های رنگی دیاگرام، موارد مورد مطالعه مقاله هستند).



حوزه اصلی و مورد بحث معماری، فرم و ریخت‌شناسی مناره‌هاست که ناشی از عملکرد و نقش آن است. سه بخش معماری، سازه و تزئینات به‌طور جداگانه قابل بحث و فن‌شناسی، مصالح‌شناسی و تکنیک‌های اجرایی نیز از مطالعات مهم این حوزه هستند. نحوه ساخت و اجرای مناره‌ها با توجه به عملکرد، اقلیم، نوع مصالح، تدبیر اجرایی معمار و مسائل دیگر با هم متفاوت و در بخش پژوهش معماری نیز مباحث مختلف مقیاس و تناسبات و شکل و فرم و رابطه آن‌ها با تزئینات و نقوش و کتیبه‌ها و مباحث دیگر قابل بررسی و تعمیق هستند. امید است که این مقاله بتواند راه‌گشای مباحث مطالعاتی مختلف مربوط به این شاهکارهای هنر معماری ایران باشد.

منابع

- پوپ، آرتور. ۱۳۷۳. معماری ایران. ترجمه غلامحسین صدری افشار. تهران: فرهنگان.
- حاتم، غلامعلی. ۱۳۷۹. معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان. تهران: ماجد.
- حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۸۳. گنجنامه، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران: دفتر ششم: مساجد. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.
- رضی، هاشم. ۱۳۷۰. حکمت خسروانی. مجله چیستا (شماره ۷۹): ۱۰۴۴ - ۱۰۵۹.
- زمانی، عباس. ۱۳۵۱. منار و مناره تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران. مجله هنر و مردم (شماره ۱۲۱): ص ۶۲ - ۷۲.
- زمرشیدی، حسین. ۱۳۶۵. گره چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شفایی، جواد. ۱۳۵۶. هنر گره‌سازی در معماری و درودگری. تهران: انجمن آثار ملی.
- طاهریا، محمد علی. ۱۳۴۷. دامغان شش هزار ساله. چاپ اول. دامغان: شورای جشن شاهنشاهی.
- عمرانی‌پور، علی. ۱۳۸۴. هنر و معماری اسلامی ایران. وزارت مسکن و شهرسازی: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- فاضل، محمود. ۴۸ - ۱۳۴۷. پیدایش مناره در اسلام. مجله هنر و مردم. شماره ۷۷ و ۷۸: ص ۵۲ - ۵۶.
- گدار، آندره. آثار ایران. ۱۳۷۸. ترجمه محمدتقی مصطفوی. ج ۲. انتشارات آستان قدس.
- ماهرالنقش، محمود. ۱۳۷۳. آجر و نقش. چاپخانه بهمن: مهندسین مشاور ماهر و همکاران.
- معاریان، غلامحسین و کریم پیرنیا. ۱۳۸۷. معماری ایرانی. تهران: سروش دانش.
- موسوی، احمد. ۱۳۶۸. مقاله شهر دامغان. جعفرپور، ابراهیم و دیگران، کتاب تاریخ بناها و شهر دامغان، نشر فضا.
- نصیری انصاری، محمود. ۱۳۵۰. سیری در معماری ایران. تهران: تهران.
- هیلن‌براند، رابرت. ۱۳۷۷. معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.